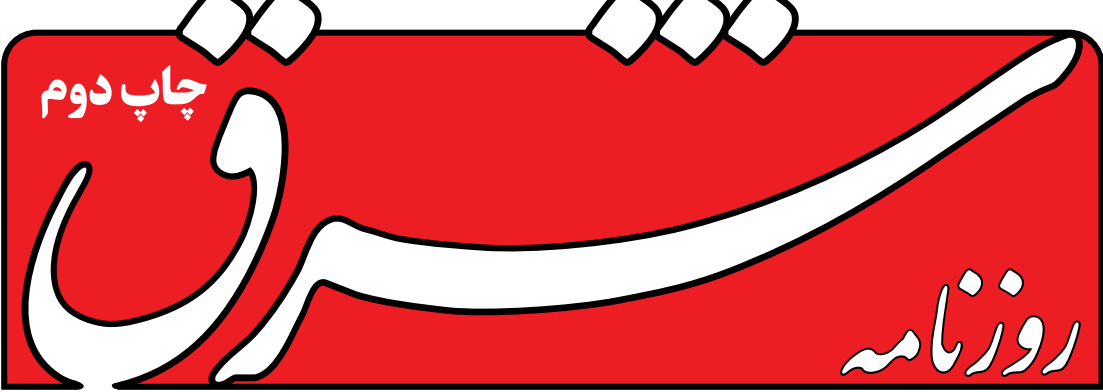


**درگفت وگوبا عباس‌زاده‌مشکینی عضو‌کمیسیون امنیت‌ملی بررسی‌شد**

## موانع کوچک‌سازی دولت و ثبات مدیریتی

از آنجایی که تربیت مدیران در هر دولت هزینه هنگفتی به کشور تحمیل می‌کند، انتظار می‌رود صرف نگاه سیاسی این سرمایه‌های ملی بعد از تغییر دولت‌ها خانه‌نشین نشوند و در دولت جدید به کار گرفته شوند. البته ناگفته نماند که مجلسی‌ها کوشیده‌اند به منظور توسعه کشور و ثبات مدیریتی، قانون خدمات کشوری را تصویب کنند…

صفحه ۲



چهارشنبه ۹ آذر ۱۴۰۱ • ۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ • ۳۰ نوامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۳۴ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

**در «شرق» امروز می‌خوانید:** پیام مخاطبان: نتیجه اعتماد به مشاغل آنلاین داخلی، برخلاف وعده شهردار تهران: پایانه جدید شرق همچنان بلاتکلیف **و یادداشت‌هایی از امیر عربی، ابراهیم ایوبی، عاطفه سهرابی**

### سرمقاله

## دستور کار جدید



**حمزه نوذری**

**جامعه‌شناس و استاد دانشگاه**

دستور کاری که برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در ابعاد مختلف وجود داشته، مبتنی بر نظر کارشناسی به‌ویژه کارشناسان سازمان‌های دولتی و در نهایت برخی متخصصان استوار بوده است. بر مبنای چنین دستور کاری روش‌ها و شیوه‌های کار یک امر بین سازمان‌های اداری تعریف می‌شود. به این دستور کار می‌توان خردگرایی دولت‌مدار نام نهاد. در دستور کار فعلی برنامه‌ریزی و ساماندهی جامعه از ذهنیت و تجربه کارشناسان و مدیران سازمان‌های اداری استخراج می‌شود؛ اما برای غلبه بر چالش‌ها و سازماندهی مناسب جامعه و همچنین پاسخ‌گویی به آرزوهای مردم تلاش جمعی از نسوی همه بازیگران جامعه لازم است؛ بازیگرانی مانند دولت، اتحادیه‌ها و انجمن‌های کارفرمایی، کارگری و همچنین سازمان‌های جامعه مدنی. در دستور کار جدید همه عوامل و بازیگران کلیدی ملزم می‌شوند که در ابتکارات اقتصادی و اجتماعی نوازانه، براساس ارزش‌ها و اهداف مشترک و متناسب با موقعیت‌های خاص ملی و محلی، مشارکت داشته باشند. رشد و تأثیر انجمن‌های جامعه مدنی در سال‌های اخیر، راه‌های جدید و سودمندی را برای همکاری با دولت و سایر بازیگران جامعه باز کرده است. انجمن‌های مدنی مؤثر و پاسخ‌گو می‌تواند به‌خوبی با دولت‌ها و سازمان‌های کارفرمایی و کارگری در ارتقای حقوق مردم، تقویت ایجاد شغل و افزایش حمایت اجتماعی همکاری کنند. براساس دستور کار جدید پیشنهاد می‌شود مجمع ملی مشورتی اقتصادی و اجتماعی تأسیس شود. در این ساختار برای اولین بار، دولت، اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایان، اصناف، سمن‌ها و خیره‌ها و دیگر تشکل‌های اجتماعی دور یک میز می‌نشینند. دستور کار جدید و تأسیس مجمع ملی اقتصادی و اجتماعی پاسخی مناسب درباره چالش‌ها و مسائل اقتصادی و اجتماعی و فشار گروه‌های مختلف برای مشارکت، عدالت، و… است؛ بنابراین یک مرحله گذار ملی وضعیتی که سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و ساماندهی براساس دستور کار فعلی یعنی کارشناسی بوروکراتیک‌محور و حرکت به سمت دستور کار جدید یعنی حضور و مذاکره و تصمیم‌گیری براساس شرکای جدید به‌ویژه جامعه مدنی است. در مجمع ملی اقتصادی و اجتماعی، شرکای مختلف یکدیگر را بیشتر می‌شناسند و یاد می‌گیرند که روی موضوعات مورد مذاکره مشترک با هم کار کنند. این امر پذیرش مشارکت نمایندگان جامعه مدنی و اتحادیه‌ها و اصناف در فرایند مذاکره در سطح ملی را فراهم می‌کند. در دستور کار جدید و با حضور شرکای جدید روش کار و ساختار، سلسله‌مراتبی نیست. همه بازیگران به‌طور مساوی دور میز می‌نشینند. دولت به‌عنوان تسهیگر، مذاکرات را مدیریت و تسهیل می‌کند. دولت به‌عنوان یک شریک و همچنین به‌عنوان یک تسهیل‌کننده وجود دارد. کارگران، کارفرمایان، کشاورزان و سایر اصناف از طرف سازمان‌های ملی مربوطه خود نمایندگی می‌شوند. سازمان‌های مردم‌نهادی که در حوزه‌های مختلف وجود دارند، مثل جوانان، زنان، معلولان و… نمایندگان معرفی می‌کنند. در دستور کار جدید مسئله قانون‌گذاری وجود ندارد؛ بلکه اساس کار، طراحی و برنامه‌ریزی شیوه‌های خلاقانه کار جدید فقط مسئله چانه‌زنی مطرح نمی‌شود؛ بلکه به‌عنوان روشی برای یک اجماع گسترده‌تر برای پرداختن به مسائل مختلف در نظر گرفته می‌شود که در نهایت دستیابی به یک آرایش جدید در مواجهه با مسائل مدنظر است. در دستور کار جدید جامعه منفعل نیست که فقط از منابع و خرد کارشناسی بوروکراتیک‌محور از بالا به پایین استفاده کند؛ بلکه اجماع و توافق ملی مدنظر است. هر گروهی با دستور کار و اولویت‌های خود پای میز می‌آید، در یافتن راه‌حل‌ها مشارکت می‌کند و اجماع در آنجا ایجاد می‌شود. بعضی اوقات، گروه‌های مختلف در ابتدای بحث بسیار از هم دور هستند؛ اما در طول فرایند مشارکت‌کنندگان باید درباره پیشنهادهای و راهبردهای خود توضیح دهند، دلیل بیاورند و مسئولیت تصمیمات و راهبردهای خود را در برابر اعضای دولت و عموم مردم بپذیرند. یک اصل اساسی که بر این فرایند حاکم است، پذیرش وابستگی متقابل بین همه گروه‌های مختلف است. اکنون همه می‌دانیم و می‌پذیریم که برای ایجاد یک اجماع گسترده در جامعه به استراتژی و سیاست‌های گروه‌های مختلف وابسته هستیم. اصل دیگری که زیربنای این فرایند است، احترام بیشتر است. این باید تکامل یابد و از طریق خود فرایند انجام نشود؛ زیرا ما یاد می‌گیریم به دیدگاه‌های مختلفی که روی میز آورده شده‌اند، احترام بگذاریم. اصل دیگر اعتماد است. مسئله اعتماد البته با مسئله احترام مرتبط است. ایجاد اعتماد زمان می‌برد و ایجاد تمایل برای به اشتراک گذاشتن قدرت تصمیم‌گیری مشارکت را افزایش می‌دهد. بدون توزیع و تقسیم قدرت مشارکت ممکن نیست. دستور کار جدید ۱- برای «مدیریت امور» ما را قادر می‌کند تا درک مشترکی از مشکلات مشترک ایجاد کنیم. حتی اگر همیشه بر سر راه‌حل‌ها توافقی پیدا نکنیم. ۲- اجماع در جامعه را گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌کند و پاسخ منسجم‌تر به چالش‌ها را ممکن می‌کند. ۳- ظرفیت نسواوری افزایش می‌یابد. این فرایند امکان ظهور ایده‌های جدید را فراهم می‌کند. یکی از کم‌ک‌های واقعی سازمان‌های جامعه مدنی، تجربه عملی و خلاقانه آن‌هاست که به یافتن راه‌حل‌های جدید برای مشکلات قدیمی کمک می‌کند. ۴- این به اشتراک گذاشتن بیشتر تجربه و بهترین عملکرد، مدل جدیدی از اقدام را تولید کرده است که در زمینه به هم پیوستن اهداف اقتصادی و اجتماعی اهمیت دارد. ۵- درحالی‌که مسائل واقعی درباره کل مسئله دموکراسی مشارکتی و نحوه فرارگرفتن آن در کنار دموکراسی نمایندگی در جوامع ما وجود دارد، گسترش فرایند مشارکت در سازمان‌های جامعه مدنی به ایجاد فضای مشارکت گسترده‌تر و عمیق‌تر کمک زیادی کرده است.

**سسمیه جامه‌عطایان:** روایت دختر جوانی که ناخواسته به ویروس اچ‌آی‌وی مبتلا شده و این موضوع را از خانواده‌اش پنهان کرده است، درددل‌های یک بیمار مبتلا به «اچ‌آی‌وی» از تاریخ‌مصرف‌گذشته بودن دارو و مکمل‌های درمانی توزیع‌شده در برخی از مراکز کنترل بیماری‌های رفتاری، نازا حتی، بیماری از گران‌بودن قیمت گوشت، مرغ و مواد مغذی که مبتلایان به «اچ‌آی‌وی» باید آنها را به صورت منظم مصرف کنند، ناچاری بیماران برای جایگزین کردن برنج هندی به جای ایرانی یا وجود ضررداشتن این نوع برنج برای سلامتی‌شان، ترس و نگرانی بیماری از بیمارستان «مسح دانشسوری» که پرستاران او را به خاطر تست مثبتش با اشاره دست‌نشان می‌دادند، گله از اوضاع ندان، لته، چشم، مسائل درمانی و بیمه ناکارآمد «سلامت» و بسیاری موارد دیگر، همگی اشاره مختصری بر شرح حال زناتی است که با بیماری اچ‌آی‌وی زندگی می‌کند و این ویروس از همسرشان به آنها منتقل شده است.

فردا یعنی ۱۰ آذر در حالی به روز جهانی ایدز می‌رسیم که این بیماران در ایران حداقل‌های کافی را برای زندگی، سلامت و معیشت نیز ندارند و حرف‌هایشان سال‌ها به گوش هیچ مسئولی نرسیده

## خبر آخر

### ایران از جام ۲۰۲۲ خداحافظی کرد

# پایان گس

تمام شد؛ کوتاه بود و پرنوسان. جام جهانی ای که مدت‌ها قبل از شروعش مشخص بود قرار است برای ایران متفاوت باشد در عرض سه بازی با حواشی سیاسی و ورزشی بسیاری به پایان رسید. درست مثل پاییزش که روزهای خوش و ناخوش را کنار هم گردآورد تا به ۸ آذر رسید. تصور می‌آین یکی هشت آذر مانند همتای ۲۵ سال پیشش دلخوشی به همراه داشته باشد ولی چنین نشد تا روزی که ایران، در نزدیک‌ترین فاصله به مشق تاریخ بود و می‌توانست با یک تسلاوی به مرحله حذفی برسد، با یک گل بیازد و از جام کنار برود. جامی که انگلیس آن را برای ایران با شوک شروع کرد و آمریکا به آن پایان داد. تیم ملی ایران شب گذشته در شرایطی در ورزشگاه الثمامه به مصاف آمریکا رفت که با توجه به نتیجه رقم‌خورده در دیدار انگلیس با ولز، با یک تساوی هم مسافر مرحله بعدی می‌شد ولی در سومین تقابیل تاریخی‌اش با آمریکا، دومین آنها در جام جهانی، اولین شکست را متحمل شد تا از جام کنار برود. تیم ملی که پیش از این در یک دیدار رسمی و دوستانه در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ تیم بهتری از آمریکا نشان داده بود، شب گذشته در دوحه، چندان سرحال نشان نداد. دست‌کم به سه بازی با بردافت ۷ گل و زدن ۴ گل در ماجراجویی ایران بعد از سه بازی، با بردافت ۲ گل و زدن ۴ گل در این جام و با کسب ۳ امتیاز، یک امتیاز کمتر از جام جهانی قبلی، به پایان رسید.

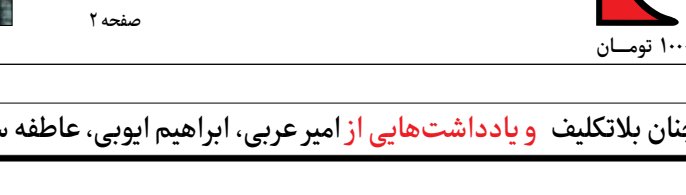
**تفسیرکی‌روش بود؟**

ایران تک‌گل خیرسازش در این دیدار را در شرایطی در این بازی بردافت کرد که درست دقیقی قبل از آن کارلوس کی‌روش با فرخواندن مهدی طارمی به کنار زمین، از او خواست تا جایش را با احسان حاج‌صفی در سمت چپ خط میانی عوض کند. احسان به میانه پشت سر سردار آمد و مهدی به سمت چپ رفت. درست چندین ثانیه بعد از این تغییر، مهدی طارمی در مهار پاس سرچینیو ناکام ماند تا گل آمریکا از جایی که کی‌روش دست به تغییر زده بود ساخته و پرداخته شود. بعد از این گل، دوباره کی‌روش دستور جابه‌جایی همان دو بازیکن را داد که اندکی بعد با مصدومیت میلاد

رهبان معظم انقلاب اسلامی در دیدار نخست‌وزیر عراق و هیئت همراه:

## با تکیه بر مردم و نیروهای جوان و پراکنیزه در مقابل دشمنان پیشرفت عراق بایستید

**السودانی: در جنگ با داعش خون ایرانی‌ها و عراقی‌ها در یک سنگر با هم آمیخته شد**

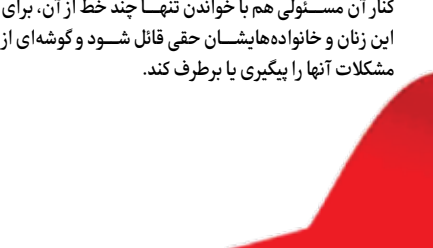


یک روز در سال بهانه‌ای است تا درباره «اچ‌آی‌وی»، نوعی عفونت ویروسی مزمن، در ایران بیشتر و جدی‌تر صحبت کنیم تا آگاهی و حساسیت در قبال این بیماری بیشتر شود.

معضلات افرادی که با ویروس «اچ‌آی‌وی» زندگی می‌کنند بسیار زیاد است. تنها در این روز است که ناقلان و افرادی که با این ویروس زندگی می‌کنند، تریبونی برای بیان چالش‌های پیش‌روی خود پیدا می‌کنند تا شاید با گفتن تجربه‌های سخت‌شان، مشکلات و مطالبات‌شان، حتی یک نفر را آگاه کنند. آنها از بازگویی و تکرار مسائل خسته شده‌اند و این کار را بیهوده می‌دانند. ما در این پرونده مشکلات فعلی تعدادی از زنان درگیر با ویروس اچ‌آی‌وی را روایت کردیم تا بلکه مخاطب این روایت‌های تلخ، آگاهی و اطلاعات کوچکی از صدمات و دشواری‌ها این بیماری به دست آورده و در کنار آن مسئولی هم با خواندن تنها چند خط از آن، برای این زنان و خانواده‌هایشان حقی قائل شود و کوشش‌ای از مشکلات آنها را بپذیری یا برطرف کند.

## پرونده «شرق» از روزگار دشوار بیماران مبتلا به «اچ‌آی‌وی» و مشکلات متعدد آنها به مناسبت روز جهانی ایدز

# ... سهم یک زخم از زندگی



است. پرونده تلخ روز جهانی ایدز در ایران همیشه باز است و به یک روز خاص اختصاص ندارد…

دهانش را باز می‌کند تا دندان‌های فک جلویش را بهتر نشان دهد، با اشاره به دندان‌هایش می‌گوید: «سال پیش هم با یک خبرنگار حرف زدم و گفتم که برای چسباندن دندان‌های جلویی‌ام از چسب آکواریوم استفاده می‌کنم. تازگی‌ها نوعی چسب پیدا کردم که برای چسباندن شیشه است اما من دندان افتاده‌ام را با آن می‌چسبانم. همه اینها را بارسال هم گفتم. شرایط از پارسال تا الان هیچ تغییری نکرده است. چقدر باید حرف بزنیم؟ پارسال دندانم را خودم چسب می‌زدم که بچه‌هایم با دیدنم نترسند، امسال هم همین‌طور است؛ بین تمام دندان‌هایم فاصله افتاده است. لته‌هایم درد دارد. درمانگاهی رفتم و چون از ابتدا گفتم که «اچ‌آی‌وی» مثبت هستم، حتی از دندانم عکس هم نگرفتمند، نه پول کافی دارم که مطب خصوصی بروم و نه وجدانم راضی می‌شود که در مورد ابتلایم به ویروس سکوت کنم. اما سراغ دارم افرادی به مطب خصوصی رفتند و از بیماری‌شان گفتند که برای دکتر مهم نبود و فقط پولش را گرفت. من همین پول را هم ندارم. تمام زیبایی ما، فقط به دندان‌هایمان است که اگر آن هم از دست برود، چیزی نمی‌ماند. همین امید و انگیزه نصفه و نیمه‌مان برای ادامه زندگی هم از بین می‌رود…» ووستش که با ویروس اچ‌آی‌وی مثبت زندگی می‌کند، از بیمه درمانی تحت پوشش یعنی بیمه «سلامت» می‌گوید که هیچ گرهی از کارشان باز نکرده است؛ «چهار دندان خراب دارم، بعضی شب‌ها تا گوش و سرم تیر می‌کشد، مشاور انجمن «احیا» نامه‌ای داد تا برای پیگیری وضع دندان‌هایمان به «خانه خورشید» برویم…

اینها را به صورت منظم مصرف کنند، ناچاری بیماران برای جایگزین کردن برنج هندی به جای ایرانی یا وجود ضررداشتن این نوع برنج برای سلامتی‌شان، ترس و نگرانی بیماری از بیمارستان «مسح دانشسوری» که پرستاران او را به خاطر تست مثبتش با اشاره دست‌نشان می‌دادند، گله از اوضاع ندان، لته، چشم، مسائل درمانی و بیمه ناکارآمد «سلامت» و بسیاری موارد دیگر، همگی اشاره مختصری بر شرح حال زناتی است که با بیماری اچ‌آی‌وی زندگی می‌کند و این ویروس از همسرشان به آنها منتقل شده است.

فردا یعنی ۱۰ آذر در حالی به روز جهانی ایدز می‌رسیم که این بیماران در ایران حداقل‌های کافی را برای زندگی، سلامت و معیشت نیز ندارند و حرف‌هایشان سال‌ها به گوش هیچ مسئولی نرسیده

## خبر آخر

تمام شد؛ کوتاه بود و پرنوسان. جام جهانی ای که مدت‌ها قبل از شروعش مشخص بود قرار است برای ایران متفاوت باشد در عرض سه بازی با حواشی سیاسی و ورزشی بسیاری به پایان رسید. درست مثل پاییزش که روزهای خوش و ناخوش را کنار هم گردآورد تا به ۸ آذر رسید. تصور می‌آین یکی هشت آذر مانند همتای ۲۵ سال پیشش دلخوشی به همراه داشته باشد ولی چنین نشد تا روزی که ایران، در نزدیک‌ترین فاصله به مشق تاریخ بود و می‌توانست با یک تسلاوی به مرحله حذفی برسد، با یک گل بیازد و از جام کنار برود. جامی که انگلیس آن را برای ایران با شوک شروع کرد و آمریکا به آن پایان داد. تیم ملی ایران شب گذشته در شرایطی در ورزشگاه الثمامه به مصاف آمریکا رفت که با توجه به نتیجه رقم‌خورده در دیدار انگلیس با ولز، با یک تساوی هم مسافر مرحله بعدی می‌شد ولی در سومین تقابیل تاریخی‌اش با آمریکا، دومین آنها در جام جهانی، اولین شکست را متحمل شد تا از جام کنار برود. تیم ملی که پیش از این در یک دیدار رسمی و دوستانه در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ تیم بهتری از آمریکا نشان داده بود، شب گذشته در دوحه، چندان سرحال نشان نداد. دست‌کم به سه بازی با بردافت ۷ گل و زدن ۴ گل در ماجراجویی ایران بعد از سه بازی، با بردافت ۲ گل و زدن ۴ گل در این جام و با کسب ۳ امتیاز، یک امتیاز کمتر از جام جهانی قبلی، به پایان رسید.

محمدی، علی کریمی را به وسط زمین فرستاد و احسان حاج‌صفی را به عنوان مدافع چپ به کار گماشت تا نفوذهای سرچینیو دست سرتی را مهار کند.

**جومتفاوت‌قبل ازبازی**

البته که این بازی هم مثل سایر دیدارهای ایران در جام جهانی از حواشی در امان نماند؛ تفاوتش در این بود که این باراین اتفاقات قبل از بازی در مقایسه با دو دیدار قبلی، کمتر جلب توجه می‌کردند. با این‌وجود اتفاقات حاشیه‌ای بازی نه از شب گذشته بلکه ۲۴ ساعت قبل از آن و از زمان کنفرانس خبری سرمری تیم ملی آمریکا شروع شد؛ جایی که تعدادی از خبرنگاران ایرانی که عمدتاً با تلویزیون ایران همکاری می‌کردند در تلاش بودند تا انتقام کاری که رسانه‌های انگلیسی با اعضای کادر فنی و بازیکنان ایران در کنفرانس کرده و راجع به مسائل سیاسی سؤال پرسیده بودند را بگیرند. سؤال‌ها بیش از هر چیز مربوط به امور سیاسی رخ‌داده در آمریکا بود؛ تعدادی از اعتراضات در آمریکا به دلیل مسائل اقتصادی پرسیده و یکی دو نفر هم از کاپیتان تیم ملی این کشور درباره رعایت‌نشدن حقوق سیاهپوستان در آمریکا پرسیدند. البته پاسخ آنها پرخاشگرانه نبود. سرمری آمریکا درباره تغییراتی که صفحه رسمی فدراسیون فوتبال آمریکا در پرچم ایران برای چند ساعتی به وجود آورد عذرخواهی کرد و گفت که تیم ملی کشورش نقشی در این داستان نداشته است. کاپیتان آمریکا هم ابتدا از اینکه اسم ایران را «آی‌ران» تلفظ کرده بود عذرخواهی کرد و سپس گفت که همگی اینجا هستند تا از یکدیگر بیاموزند و بتوانند آینده بهتری داشته باشند. او البته فراموش نکرد در بین صحبت‌هایش اشاره‌ای به فضای ایران و تیم ملی ایران داشته باشد. تایلر آدامز گفت که آنها کنار مردم ایران و تیم ملی این کشور هستند. از همان کنفرانس خبری مشخص بود که دیدار تیم ملی ایران با آمریکا البته طبق انتظار قرار نیست چندان بدون حاشیه هم باشد. شب قبل از شروع بازی این جو متفاوت را می‌شد ۴ ساعت قبل از سوت آغاز حس کرد؛ تعداد نیروهای کشته‌دار تأمین امنیت این دیدار بودند در مقایسه با دیدارهای



صفحه ۲

## با وجود تأکید قانون بر واگذاری املاک بانک‌ها این مؤسسه‌ها همچنان برای واگذاری مقاومت می‌کنند

# بانک‌های صاحبخانه

۴



ایران از جام ۲۰۲۲ خداحافظی کرد

# پایان گس

آمریکا یک بر هیچ برنده بازی پایانی مرحله گروهی بود

۱

### برش

## نخستین پیروزی دموکراسی در یک جامعه پسافاشیستی

به مناسبت شصتمین سال ماجرای

«اشپیکل» در آلمان غربی

۱۱

### یادداشت

# مجادله و گفت‌وگو



**یوسف مجیدی**

داستان‌ساز معروف درباره لویی شانزدهم هست که برایتان نقل می‌کنم: روزی لویی شانزدهم در محوطه کاخ خود در حال قدم‌زدن بود که سربازی را دید که کنار یک نیمکت در حال پاسبانی بود. متعجب از پست او، پرسید: برای چه اینجا قدم می‌زنی و پاسبانی می‌کنی؟ سرباز با اضطراب جواب داد: اعلی‌حضرت افسر سرگارد مرا اینجا گذاشته و گفته است که خوب مراقبت کن! لویی افسر گارد را احضار کرد و از او پرسید: این سرباز برای چه اینجا نگهبانی می‌دهد؟ افسر گارد جواب داد: نمی‌دانم اعلی‌حضرت، نقشه فرارگرفتن سربازها از مافوق قبلی به من رسیده و من هم همان روال را ادامه می‌دهم. لویی بعد از جست‌وجوی بسیار دریافت که وقتی سه سال داشته، این نیمکت را رنگ زده بودند و پدرش برای اینکه لباس او رنگی نشود، سربازی را در آنجا به پاسبانی گذاشته بود. این روال همچنان ادامه پیدا کرده؛ عملی بی‌هیچ مغفلی! ما هم در زندگی با این نوع اعمال زیاد روبه‌رو هستیم. عمل و فطرتی که پشت‌وانه‌ای منطقی ندارد. فقط طوطی‌وار انجام می‌دهیم. تصور ما از بعضی اعمال بدیهی است؛ یعنی عمل فقط باید انجام شود و هیچ وقت هم از خود نمی‌پرسیم چرا؟ سراط حکیم بزرگ یونانی، این مسئله را یک دام عقب‌ب‌تری برد. تحقیقات سقراطی ما را وادار می‌کند تا به‌صراحت دیدگاهی از کیستی و هویت خود تدوین کنیم. مجموعه‌ای از باورها، اعمال، افکار و… هویت ما را تشکیل می‌دهند که برای ما نامریی هستند؛ چراکه تبدیل به یک امر بدیهی شده و از نظر پنهان شده‌اند. سقراط تمام اینها را به چالش می‌کشد و ما را مجبور به تفکر درباره خود می‌کند. به تعبیر او آگاهی از خویش موجب فضیلت و خوشبختی می‌شود. زمانی که تفکر درباره خویشتن شروع می‌شود، ما وارد مرحله خودسنجی و خودآزمایی می‌شویم؛ خودآزمایی نه به معنای قضاوت مداوم خود، بلکه عمل تشریح دقیق چیستی خود. این نوع تفکر، گفت‌وگو است؛ امری انتقادی (التخوس سقراطی، انتقاد شدید) موجب می‌شود تا باورهای پنهان‌شده و بنیادین به شکل موضوعی برای تفکر دربیاید. زمانی که ما جرتش را این‌پیدا می‌کنیم که پایه و اساس تفکر خود را زیر سؤال ببریم، نقد و تحلیلش کنیم، می‌توانیم به آگاهی دست پیداکنیم. تفکر انتقادی همیشه باعث پیشرفت بوده‌است؛ ولی براساس چارچوب‌ها و قواعدش نه نقد بیبوهه و بی‌اساس. حاصل این نوع تفکر، گفت‌وگو است؛ امری بسیار مهم. دناایی و آگاهی امری دیالکتیکی است. نقدپذیری در زندگی بسیار حائز اهمیت است. ما باید تمرین کنیم که نقدپذیر باشیم. گفت‌وگو با منتقد و تمیز معایب و محاسن‌مان به ما کمک می‌کند که در تکمیل هویت و مستحکم‌سازی بنای فکری‌مان موفق ظاهر بشویم. متأسفانه نقدپذیری و نقد در جامعه ما اشتباه معنی شده است. نقد به معنای سرزنش یا ایرادگرفتن نیست. نقد به معنای تمیز بین معایب و محاسن است. شناخت خوب و بد. همین مسئله موجب شده که همه ما از نقدکردن گریزان و بیمناک باشیم. بدون هیچ صحبتی نظر همدیگر را تحسین یا اصلا صحبت نمی‌کنیم. هر چیزی را بدون سند و مدرک و کمی تعقل می‌پذیریم. هرچه بگویم زیادگوی است؛ کمی فکر کنیم، با هم صحبت کنیم. انتقاد را یاد بگیریم و انتقادپذیری را تمرین کنیم. ❖ ایده این یادداشت از کتاب «دناایی» گرفته شده است.